

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایمان و اعتماد به الله سبحانه و تعالی

(ترجمه)

اعتماد به الله سبحانه و تعالی در گرو درستی ایمان به الله سبحانه و تعالی، ایمان به رسولان، کتاب و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم بوده؛ تسلیمی مطلق و هم‌چنان پای‌بندی مخلصانه و صادقانه به اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی، تطبیق شریعت اسلامی و هدایت رسول الله صلی الله علیه و سلم را می‌طلبد. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

(لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ)

[نور: 46-49]

ترجمه: همانا آیاتی روشن نازل کردیم و الله هر که را بخواهد به راه راست راهنمایی می‌کند و می‌گویند: به الله و پیامبر ایمان آوردیم و اطاعت کردیم؛ سپس گروهی از آنان پس از این روی می‌گردانند و اینان مؤمن نیستند؛ زمانی که آنان را به الله و پیامبرش می‌خوانند تا میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می‌شوند؛ ولی اگر داوری حق به‌سود آنان باشد، مطیعانه به‌سوی آن می‌آیند.

آیات روشن الله سبحانه و تعالی خیر و شر، خوب و بد و طریقه زندگی را بر معیارهای عالی به‌طور کامل و دقیق، باصراحت و بدون کدام پوشیدگی و ابهامی بیان نموده است. حدود الله سبحانه و تعالی کاملاً مشخص است؛ اگر مردم اسلام را میان خود حاکم قرار دهند، به شریعت واضح و باقاعده‌ای مراجعه می‌نمایند که هیچ صاحب حقی در آن از ضایع شدن حق اش نمی‌ترسد؛ قوانین و مقرراتی که حق را به باطل خلط نکرده و حلال و حرام را از هم جدا می‌کند.

اما منافقان ایمان به الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی الله علیه و سلم را تنها به زبان اظهار کرده و ادعای اطاعت می‌کنند؛ درحالی که در قلب‌های‌شان ایمان جای نداشته و در سلوک آن‌ها معنی آن وجود ندارد. رفتارشان، نادرستی گفتارشان را برملا می‌سازد: (وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ...) [نور: 47] یعنی آنان مؤمن نیستند...؛ زیرا کردار مؤمن مطابق گفتارشان می‌باشد.

ایمان تنها کلمه‌یی نیست که فقط به زبان گفته شود و بس؛ بلکه ایمان باید در قلب‌ها حک شده و در میدان واقعیت باعث آرامش نفسانی و عمل شود.

پشت کردن به شریعت الله سبحانه و تعالی تحت هر بهانه‌یی از خصلت‌های منافقان می‌باشد؛ آن‌ها طوری وانمود می‌کنند که اهل زیرکی، دانش و علم می‌باشند و بر مکلفیت‌های فردی مسلمانان تمرکز داشته، به سوی این مکلفیت‌ها دعوت می‌کنند و در برابر هر دعوتی که به سوی عدم حاکمیت الله سبحانه و تعالی فرامی‌خواند، به مخالفت و جنگ می‌خیزند.

(وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ۚ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ)

[نور: 48-49]

ترجمه: و زمانی که آنان را به‌الله و پیامبرش می‌خوانند تا میان‌شان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می‌شوند؛ ولی اگر داوری حق به‌سود آنان باشد، مطیعانه به‌سوی آن می‌آیند.

منافقان به‌خوبی از این امر آگاه اند که حاکمیت الله و رسولش حق بوده و تمام مسلمانان مکلف به‌فرمان‌برداری از آن می‌باشند و باید برای دوام آن از هیچ تلاشی دریغ نورزند. منافقان اهمیت از سرگیری زندگی اسلامی را به‌خوبی می‌دانند؛ آن‌ها آگاه می‌باشند که تنها تطبیق شریعت اسلامی زندگی مسلمانان را نظم می‌بخشد و بس؛ اما خواستار حق نبوده و نمی‌توانند عدالت را بپذیرند؛ کسی که ادعای ایمان می‌کند؛ هیچ‌گاه چنین رفتاری نخواهد داشت. مؤمنین در رفتار و گفتار خویش همواره صریح و بدون ابهام می‌باشند. این منافقان اند؛ در هیچ زمان و مکانی جرئت ندارند که کفر خویش را آشکار نمایند، به اسلام تظاهر کرده و هرگز راضی نخواهند شد که شریعت الله سبحانه و تعالی در میان‌شان حکم‌رانی کند. منافقان راضی نیستند که کتاب الله و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در میان‌شان حاکم باشد. زمانی که به‌سوی حاکمیت الله و رسولش فراخوانده شوند، ابا و ورزیده، بهانه‌جویی کرده و عذر تراشی می‌کنند. (وَمَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ...) [نور: 47] یعنی آنان مؤمن نیستند... ایمان با ترک حاکمیت الله و رسولش سازگار نبوده و رضایت به‌حاکمیت الله و رسولش دلیل ایمان راستین و نشانه‌یی از استقرار حقیقت ایمان در قلب است. کسی که به‌حاکمیت الله و رسولش پشت می‌کند، کسی است که نور ایمان تمام قلب‌اش را فرا نگرفته است.

(وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا)

[کهف: ۲۸]

ترجمه: و از هوای نفس‌اش پیروی کرده و کارش اسراف و زیاده روی است.

آیا نسبت به‌حاکمیت الله سبحانه و تعالی شک و تردید نموده و ادعای ایمان می‌کنند؟ و یا از این می‌ترسند که الله و رسولش بر آن‌ها ظلم می‌کند؟ در حالی که حاکمیت الله سبحانه و تعالی تنها حاکمیتی است که از گمان ظلم مبرا است؛ زیرا الله سبحانه و تعالی عادل بوده و بر کسی ظلم نمی‌کند. تمام مخلوقات در برابر حاکمیت الله سبحانه و تعالی یکسان می‌باشند و بر کسی بخاطر مصلحت دیگری ظلم نمی‌شود. هر حاکمیتی غیر از حاکمیت الله سبحانه و تعالی ظلم و سرکشی را در پی

دارد؛ زیرا انسان خواه فرد باشد و یا جماعت، به مصلحت خود تمایل دارد؛ چون هر انسانی که به وضع قوانین می‌پردازد، در قانون‌گذاری از خود حمایت کرده و مصلحت خود را در نظر می‌گیرد.

عدالت مطلق فقط در قانون‌گذاری الله سبحانه و تعالی می‌باشد. بنابر این، کسانی که به حاکمیت الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وسلم راضی نمی‌باشند، نمی‌خواهند عدالت را از مجرای واقعی آن گرفته و عدل و انصاف را برای مردم به‌ارمغان بیاورند. آنان دوست ندارند که سروری از آن حق باشد. (بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ...) [نور: 50] یعنی؛ بلکه اینان ستمکارند؛ اما اگر مؤمنین واقعی به سوی حاکمیت الله و رسولش فراخوانده شوند، گوش داده و طاعت می‌کنند. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ

[نور: 51]

ترجمه: گفتار مؤمنان هنگامی که آنان را به سوی الله و پیامبرش می‌خوانند تا میان‌شان داوری کند؛ فقط این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و اینانند که رستگارانند.

بلی، این گوش دادن و اطاعت کردن بدون تردید، جدال و کج‌روی است. گوش دادن و طاعت نمودن به معنی اعتماد مطلق بر این است که حاکمیت الله و رسولش حاکمیت حق مطلق و به‌غیر از آن هر حاکمیت دیگری هوای نفس مطلق می‌باشد. (وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ...) [نور: 51] یعنی و این‌ها رستگارانند. رستگاران کسانی‌اند که از الله سبحانه و تعالی اطاعت کرده و امور زندگی و روابطشان را به‌اساس کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسولش صلی‌الله‌علیه‌وسلم بنا و در میان‌شان حکم می‌کنند. بلی، مؤمنین بهتر از کسانی‌اند که آنان از هوای نفس خود برای خودشان شریعت و قانون وضع می‌کنند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

[نور: 52]

ترجمه: و کسانی که از الله (سبحانه و تعالی) و پیامبرش (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) اطاعت نموده و از الله (سبحانه و تعالی) ترسیده و تقوی نمایند؛ پس آنان همان کامیابان‌اند.

اطاعت از اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی با ترس و تقوای الله سبحانه و تعالی همراه می‌باشد. تقوی فراگیرتر از ترس بوده و درک شعوری مراقبت مطلق الله سبحانه و تعالی است. اطاعت از الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وسلم خواستار پیمودن منهج درستی است که الله سبحانه و تعالی به مقتضای علم و حکمت‌اش آن را برای بشریت ترسیم نموده؛ راهی که در طبیعت آن رساندن به سرمنزل کامیابی می‌باشد. تقوی و ترس از الله سبحانه و تعالی ضامن استقامت بر این منهج است. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)

[نور: 55]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین خلیفه می‌سازد. همان‌گونه که پیشینیان آنان را خلیفه ساخته بود و قطعاً به دین‌شان، که برای آنان قدرت پسندیده بخشیده و آن را استوار و محکم نماید؛ به یقین ترس و بیم‌شان را تبدیل به امنیت کند؛ فقط برای من بندگی کنند، هیچ چیزی را شریک من نگیرند و آنانی که از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند، فاسقان اند.

الله سبحانه و تعالی برای امت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده تا آنان را بالای زمین خلیفه گرداند. در واقع ایمانی که وعده الله سبحانه و تعالی بر آن محقق می‌شود، عبارت از طاعت و تسلیم شدن به اوامر الله سبحانه و تعالی در موارد بزرگ و کوچک آن می‌باشد. ایمان واقعی را هوی و شهوت نفسانی همراهی کرده نمی‌تواند. ایمان واقعی تابع چیزی می‌باشد که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم با خود آورده و تمام زندگی انسان را از گهواره تا گور به طاعت و حسن بندگی به الله سبحانه و تعالی در بردارد و صاحب آن مستحق وعده الله سبحانه و تعالی، استخلاف، می‌باشد؛ همان‌گونه که مؤمنین صالح گذشته این وعده را دریافتند. تمکین قدرت و توانایی بخشیدن به دین، که عبارت از قدرت و توانایی بخشیدن به مسلمانان می‌باشد، زمانی به وقوع می‌پیوندد که مسلمانان در طاعت و حسن بندگی به الله سبحانه و تعالی قرار داشته باشند:

(يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...)

[نور: 55]

ترجمه: فقط برای من بندگی کنند و هیچ چیزی را شریک من نگیرند.

همیشه امت اسلامی در راه اسلام خود را ملزم دانسته و امور زندگی خویش را محض رضای الله، بر اساس شریعت الله سبحانه و تعالی تنظیم و در تمام امور از رب خود راضی می‌باشند. امت اسلامی هیچ‌گاه بر شریعت الله سبحانه و تعالی پشت نکرده؛ مگر این‌که ترس و وحشت بر آن مسلط و ظلم و استبداد بر آن حکم فرما شده، ذلیلانه فرو پاشیده و توسط دشمنانش بلعیده شده شوند.

اسلام منهج زندگی کامل است؛ تمام مراحل زندگی، روابط و ارتباطات انسان را تنظیم می‌کند. الله سبحانه و تعالی مهر تأیید را بر مسلمان، مرتبط به طاعت از خود و حسن بندگی برای خود گذاشته است. طاعت و حسن بندگی به تطبیق شریعت الله سبحانه و تعالی و نشر دعوت و پیروی از اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی ممکن می‌باشد؛ همان‌گونه که تمکین و نصرت الله سبحانه و تعالی نیز در گرو پیروی از اوامر و نواهی الله سبحانه است. هم‌چنان، زمانی اعتماد به الله سبحانه و تعالی واقعیت دارد که همراه با طاعت الله سبحانه و تعالی و تطبیق شریعت و پای‌بندی به اوامر الله سبحانه و تعالی باشد. کسی که برای ازسرگیری زندگی اسلامی و تلاش برای برپایی دولت اسلامی-تنها نهاد تطبیق‌کننده شریعت و نافذ‌کننده اوامر و نواهی الله سبحانه و تعالی- مخالف می‌باشد، وی در برابر حق، در صف دشمنان و در جنگ علیه اسلام و مسلمان به‌پا خاسته، در تلاش گمراه‌سازی و دورساختن مسلمانان از طاعت الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وسلم بوده و مسلمانان را بیش‌تر و بیش‌تر زیر لگدهای کفار می‌اندازد.

«ربنا آتنا فی الدنيا حسنةً و فی الآخرةً حسنةً و قنا عذاب النار، وارحمنا وارحم والدينا وارحم المؤمنین
والمؤمنات الأحياء منهم والأموات، وصل اللهم وسلم وبارک علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین
والحمد لله رب العالمین»

(وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)

[یوسف: ۲۱]

ترجمه: الله به‌کار خود چیره و غالب است؛ ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند.

برگرفته از مجله الوعی

نویسنده: ابراهیم سلامه